

## نیم‌نگاهی به رسائل حجاییه

محمدکاظم تقوی\*

### چکیده

مقاله پیش رو در سه بخش تنظیم شد: بخش اول مقدمه و مدخل نامیده شده و شامل مقدمات است، و در پی آن گزارش مجمل و مفصل رسائل و کتب حجاییه آمده که بیشترین حجم نوشته را به خود اختصاص داده است. بخش سوم با عنوان تکمله به مسئله کشف حجاب در حکومت رضا شاه پهلوی پرداخته شده که آیا آنها در پی کشف حجاب به معنای برهنگی زنان مسلمان بوده‌اند و یا هدفشان ممنوعیت چادر داشتن زنان و الزام پوشش بدون چادر بوده است؟ تفاوت میان اعلان رسمی و رفتار عملی حکومت و فقدان دیدگاه و افراد معتدل از دو سو، بر پیچیدگی و پیامدهای منفی و زیانبار اجتماعی-فرهنگی این ماجرا افزوده و این نکته‌ای قابل تأمل است. **واژگان کلیدی:** رسائل حجاییه، کشف حجاب، فلسفه حجاب، حجاب در اسلام، رضاخان و کشف حجاب.

## مقدمه

کتاب رسائل حجابیه (با عنوان توضیحی شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب) با همت پژوهشگر ارجمند و مورخ محقق جناب استاد رسول جعفریان در دو جلد و ۱۴۵۰ صفحه با سی و سه عنوان، کتاب و رساله را در خود جای داده و برای اولین بار در پاییز ۱۳۸۰ توسط انتشارات «دلیل ما» به محققان و مورخان و اهالی فکر و فقه و فرهنگ تقدیم شده است.

خواننده در طلیعه جلد اول، پس از آنکه فهرست اجمالی، سپس فهرست تفصیلی مطالب هر دو جلد «رسائل حجابیه» را از نظر می‌گذراند، مقدمه چهار صفحه‌ای تدوین‌گر اثر، استاد جعفریان را می‌خواند و پس از آن، مدخل یا پیشگفتار مانند موسع و مفصل را که از صفحه ۲۱ تا صفحه ۵۶ را به خود اختصاص داده، مشاهده می‌کند و از صفحه ۵۷ تا پایان جلد دوم کتاب‌ها و رساله‌های حجابیه، به دنبال هم آورده شده است. «مسئله حجاب، در چارچوب بحث دفاع از حقوق زن، سال‌هاست که در کشورهای اروپایی و به دنبال آن در کشورهای اسلامی، مطرح شده است. سابقه این مباحث در کشور ما، به صورت محدود، به سه-چهار دهه پیش از مشروطه و بیشتر به پس از انقلاب مشروطه، به‌ویژه دوره سلطنت رضاخان پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۵۰) باز می‌گردد». آنچه میان گیومه نقل شده، سطور اولیه مقدمه تدوین‌گر و تألیف‌دهنده این کتب و رسائل کنار هم، می‌باشد که نگرش تاریخی و تاریخ‌مند خود به پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی را در صدر قرار داده است. او توضیح می‌دهد که «بحث از کشف حجاب از همان روزهای نخست آن، در ایران تا به امروز، تحت عناوینی چون: نهضت بانوان و نسوان، نهضت آزادی زنان، دفاع از حقوق زن، و مسائلی از این قبیل، و در قالب ارائه نگرشی نو از زن در دایره تعریف امروزی از حقوق بشر و جایگاه فلسفی بشر در نظام فکری جدید غرب صورت می‌گیرد، و با استفاده از پیش‌داوری‌های ذهنی که از این قبیل مفاهیم

در اذهان به وجود می‌آید، سعی بر تحکّم خود به جامعه زنان ما دارد.» نکته دیگری که مؤلف / تدوین‌کننده این اثر در مقدمه خود به آن توجه می‌دهد، «چندبُعدی بودن مسئله حجاب» است، با این توضیح که «سه زاویهٔ جغرافیایی مختلف در مَنبع بحث حجاب وجود دارد؛ نخست، زاویهٔ دید شرع؛ دوم، زاویهٔ دید عرف، و سوم، زاویهٔ دید جدید غربی» او همین‌جا هشدار می‌دهد که «خلط میان این زوایا می‌تواند محقق و نویسنده را گمراه کند؛ کاری که گاه، آگاهانه و گاه ناآگاهانه صورت می‌گیرد». از نظر وی، «حجاب به‌عنوان یک عمل اجتماعی، هم‌زمان در یک بستر شرعی، عرفی ملی و غربی قرار داشته و لازم است تا دیدگاه‌ها و مسائل مطروحه از هر زاویه تفکیک شود تا تکلیف بحث و یا به اصطلاح، محل نزاع مشخص گردد».

او در نگرشی تاریخی / فکری اذعان می‌کند: «که در گذشته، عرف بر برخی از استنباط‌های فقهی سایه انداخته است؛ و در نتیجه، در راستای تأکیدات فقهی مربوط به حجاب، اعم از الزام و استحباب، چه بسا افراط‌هایی هم صورت گرفته است». چنان‌که «هم‌زمان با تحمیل رویهٔ عرفی غربی جدید که همان رسوخ، بلکه تحکّم اندیشه‌های نو و مدرن است، نشان از انحرافی دیگر دارد»، یعنی هم مسائل و اقتضانات عرفی را «شرع» پنداشتن، ناروا و غلط است، و هم تطبیق فقه و شرع بر حقوق بشر - که درک و دریافت فکری انسان‌گرایانه عصر جدید است - نادرست و موجب هرج و مرج و بی‌نظمی و ویرانگری خواهد شد.

گردآورنده این کتب و رسائل، خود می‌گوید که «رساله‌های موجود، حاوی مسائل و دیدگاه‌های مختلف است، و طبعاً چنان نیست که چاپ آنها در این مجموعه به‌معنای همراهی با مضمون و مدلول آنها باشد. هدف اصلی ما، ارائه این دیدگاه‌ها برای محققان و علاقه‌مندان به مسائل مربوط به زنان است که در درجهٔ نخست، تلاش مدافعان سنت دینی را در برابر بدعت‌ها بشناسد؛ ثانیاً، با دیدگاه‌های متفاوتی که در این باره ارائه شده، آشنا شوند.

البته او بعضی از کتاب‌های مربوطه را چون به زبان عربی بوده، در این مجموعه قرار نداده، چنان که بعضی از کتاب‌های نوشته شده در این موضوع، به خاطر حجم گسترده، کنار گذاشته شده او تصریح می‌کند که «رساله‌های انتخاب شده، عمدتاً طی این شصت سال [تا سال ۱۳۸۰] به چاپ رسیده است، اما بیشتر آنها به صورت سنگی و یا با چاپ‌های حروفی پر غلط بوده» بوده است.

گردآورنده (تدوین‌گر) این مجموعه، افزون بر مأخذیابی منابع رسائل و کتاب‌های سی‌وسه‌گانه، برای هر یک از آنها مقدمه‌ای شامل شرح حال نویسنده و اجماع از دیدگاه‌های او، فراهم آورده و عرضه داشته است. چنان‌که این سی‌وسه مکتوب حجابیه، به ترتیب تاریخ تنظیم شده و در چند موردی که تاریخ تألیف دقیق آنها مشخص نبوده، براساس احتمال زمان نگارش و تألیف جاگذاری شده است.

استاد جعفریان، افزون بر این، سی‌وسه اثر تألیف شده که محتوای اصلی مجموعه می‌باشد، شش پیوست را نیز در بخش پایانی آورده است، رساله مدتیّه، عبدالرحیم مشیر الاطباء؛ پوشیدن روی یا نپوشیدن روی، مجتبی مینوی؛ درباره هفدهم دی، علی دشتی؛ حجاب و ضد حجاب در شعر فارسی معاصر، رسول جعفریان؛ کتابشناسی حجاب، رسول جعفریان؛ تصاویری از رسائل حجابیه؛ عناوین پیوست‌های ششگانه می‌باشد.

### گزارش مجمل و مفصل از رسائل حجابیه عناوین رسائل حجابیه

۱. رساله وجوب حجاب؛ محمد صادق اروی فخرالاسلام؛
۲. سدول الجلباب فی وجوب الحجاب؛ آیت‌الله بلادی بوشهری؛
۳. رساله شریفه لزوم حجاب؛ چند نفر از مسلمین مشروطه‌خواه؛
۴. رساله رد کشف حجاب؛ سیداسدالله خرقانی؛

۵. فلسفه حجاب؛ ابو عبدالله زنجانی؛

۶. صواب الخطاب فی اتقان الحجاب؛ میر محمد هاشم مرندی خویی؛

۷. حجاب پرده دوشیزگان؛ محمد حسن حائری مازندرانی؛

۸. لب اللباب فی فلسفه الحجاب؛ علی اکبر رضوی برقی قمی؛

۹. جوابیه مقاله ضالّه طالبین رفع حجاب؛ زینب بیگم شیرازی.

هفت رساله در دفاع از حجاب در نشریه اسلام

۱-۱۰. دفاع از حجاب؛ محسن فقیه شیرازی؛

۲-۱۱. نقد مقاله جبل المتین؛ محسن فقیه شیرازی؛

۳-۱۲. پاسخ پرسش‌های چهارده گانه جبل المتین؛ محسن فقیه شیرازی؛

۴-۱۳. حدود تربیت بنات؛ محمد کاظم آل بحر العلوم؛

۵-۱۴. انتقاد از مقاله اصفهانی؛ محمد کاظم آل بحر العلوم؛

۶-۱۵. حجابیه دیگر در پاسخ به مقاله جبل المتین؛

۷-۱۶. رساله حجابیه در نقد مقاله جبل المتین؛

۱۷. مکالمه خسرو پرویز؛ شیخ هادی طارمی منجیلی؛

۱۸. وسیله العفایف یا طومار عفت؛ شیخ یوسف گیلانی؛

۱۹. وجوب ستر و حجاب؛ محمد کاظم نجل محمد سعید؛

۲۰. محاکمه در موضوع حجاب؛ سید ابوالحسن طالقانی طهرانی؛

۲۱. ضیائیه در موضوع حجاب؛ آقاموسی کاظمینی طبرسی (ضیایی)؛

۲۲. سرادق دوشیزگان و سعادت ایرانیان؛ سید محمد علی مبارکه‌ای؛

۲۳. ترجمه فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب؛ غلامحسین اصفهانی؛

۲۴. مدینه الاسلام روح التمدن؛ شیخ احمد شاهرودی؛

۲۵. تأکید حجاب سوان به حکم آیات قرآن؛ محمد علی مدرس طهرانی؛

۲۶. رساله حجابیه؛ فیاض الدین زنجانی؛

۲۷. رساله در اثبات وجوب حجاب؛ شیخ عباسعلی اسلامی؛
۲۸. حجاب و پرده‌داری؛ ابوالفضل حاذقی - محمد جواد لاری؛
۲۹. حقیقت حجاب در اسلام؛ شیخ محمد خالصی زاده؛
۳۰. احسن الحکایات فی حجاب السافرات؛ شیخ ابوالفضل خراسانی؛
۳۱. مناظره دهقان پیر و جوان دانشجو! سیدجلال کاشانی؛
۳۲. حجاب در اسلام؛ شیخ محمد حلبی؛
۳۳. مسئله حجاب؛ استاد شهید مرتضی مطهری.

چنان‌که خواننده گرامی ملاحظه می‌کند؛ از میان این سی‌وسه رساله و کتاب که درباره اثبات وجوب حجاب و پوشش شرعی برای بانوان (مانند کتاب شهید مطهری، و یا جنبه نقد بر آثار و تألیفاتی که حجاب را شرعاً واجب نمی‌دانند) است؛ تنها نویسنده و مؤلف یکی از آنها از جمع بانوان است و آن رساله شماره ۹ از این مجموعه است و جوابیه مقاله ضالّه طالبین رفع حجاب است که به قلم بانو زینب بیگم شیرازی نوشته شده است؛ و اما سی و دو رساله و مرقومه دیگر را آقایان نوشته‌اند.

اولین رساله را محمد صادق ارومی فخرالاسلام تألیف کرده است؛ او که قبلاً از مسیحیان ارومیه بوده و پس از مسلمان شدن به «فخر الاسلام» ملقب شد؛ زیرا در ردّ بر مسیحیت آثار متعددی تألیف کرد که معروف‌ترین آنها کتاب انیس الاعلام فی نصره الاسلام است و در هشت جلد چاپ و نشر یافت. استاد جعفریان این اثر را عمدتاً بر پایه کتاب اظهار الحق ملاحظه الله هندی می‌داند.

نام اصلی رساله حجاییه او رساله فی وجوب الحجاب و حرمة الشراب است و بر حسب اطلاعات تدوین‌گر این اثر، نخستین رساله نوشته‌شده در این موضوع است و به همین خاطر یکی از آثار پر تأثیر در نوشته‌های بعدی در دفاع از حجاب است.

آیت‌الله سیدعبدالله بلادی بوشهری که افزون‌بر مرجعیت محلی در کارهای شرعی، دانشوری بوده که به مسائل سیاسی هم توجه داشته و آثار متعددی نوشته و از آنجایی که پس از مشروطه مسئله حجاب از بحث‌های مطرح و حساس دینی اجتماعی شده بود، این شخصیت دینی-اجتماعی، چندین رساله و کتاب در این موضوع، یعنی اهمیت و وجوب حجاب، نگاشته است. ایشان در این رساله، مسئله حجاب را براساس آیات قرآن و احادیث و روایات بررسی و تحلیل کرده است. رساله سوم که در موضوع لزوم حجاب نوشته شده، توسط چند تن از مشروطه خواهان (که باید آنها را مشروطه‌خواهان معتدل تلقی کرد)، نوشته شده است، یعنی طیفی از مشروطه‌خواهان که علمای اعلام نجف، رهبران دینی آنها بوده‌اند.

نویسندگان این رساله، چهار موضوع را با دقت از یکدیگر جدا کرده‌اند، کاری که در دیگر رساله‌های حجابیه دیده نمی‌شود، و آن چهار موضوع عبارت‌اند از: ۱. اصل حجاب؛ ۲. زیورنمایی و تبرج؛ ۳. مخالطه و ارتباط مردان و زنان؛ ۴. تعلیم و تربیت زنان.

عالم نوگرا و مشروطه خواه، سیداسلام‌الله فرقانی نیز به خاطر مخاطرات و مفاسد کشف حجاب رساله ردّ کشف حجاب را نوشته و تردید در حکم حجاب اسلامی را ناشی از «امراض دماغی و اختلالات فکری» دانسته است.

رساله فلسفه حجاب توسط شیخ ابوعبدالله زنجانی نگاشته شده است که از عالمان فرهیخته و مصلحان و وحدت‌طلبان قرن چهاردهم بوده و در عراق، ایران و مصر فعالیت‌های اصلاح‌گرایانه داشته است و به دعوت‌کننده به قرآن و وحدت اسلامی شهرت داشته است. او در این رساله، نه تنها مخالف تعلیم و تعلّم زنان نیست، بلکه می‌گوید تربیت زن، اول وسیله ترقی و تهذیب و تربیت ملت است و حتی عامل تقویت عاطفه، عفت، حیا، محبت خانوادگی و فراگیری اصول اقتصاد و تدبیر منزل است.

میرمحمد هاشم مجتهد طسوجی مرنندی جعفری، رساله صواب الخطاب فی اتقان الحجاب را نوشته و طی دو فصل به شرح و تبیین آیات حجاب و روایات مربوطه پرداخته و در أثناء آن دیدگاه بعضی از فقها را نیز مطرح کرده است.

رساله حجاب یا پرده دوشیزگان، نوشته محمدحسن، فرزند مجتهد مازندرانی است که از علمای برجسته زمان خود بوده و وجیزه‌ای در مناسک حج نیز نوشته و محمد صالح معروف به علامه حائری سمنانی برادر او بوده است، یعنی فرزند دیگر فضل الله مجتهد محمد حسن نیز در این رساله بر لزوم آموزش زنان و مادران تصریح کرده است و قبول ندارد که دوشیزگان به واسطه پرده پوشی از تربیت و معارف محروم می‌مانند. او رساله خود را چنین آغاز کرده است: «من با کمال تأدب افکار خودم را می‌خواهم یا یک سلسله الفاظی که از رقت و عطوفتم گویا باشد، بر خواهران خودم، دوشیزگان ایران روشن نمایم». او در سطور پایانی مکتوب خود را بررسی مسئله حجاب از نظر فلسفی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی معرفی می‌کند، ولی بررسی آن از نظر شرعی و مقدار محجب بودن و مسائل مرتبط با آن را به مقام و مجالی دیگر حواله می‌دهد.

رساله لب اللباب فی فلسفة الحجاب را میرزا علی اکبر رضوی بر قعی نگاشته است که به خاطر شرکت در کنفرانس صلح وین و با اعتراض علما و طلاب به رفتار او، از قم اخراج گردیده او هدف از نگارش رساله خود را تبیین فلسفه حجاب ذکر کرده است. جوابیه مقاله ضاله طالبین رفع حجاب به قلم زینب بیگم شیرازی نوشته شده و تاریخ تألیف آن ذیحجه ۱۳۴۵ / تیرماه ۱۳۰۶ بوده است.

در نشریه جبل المتین مقاله‌ای به قلم محمد تقی اصفهانی، با عنوان «فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست» به چاپ رسید که نویسنده این مقاله در مقام جواب سخنان او دست به قلم برده و چنان که خود تصریح کرده با استفاده از کتاب عصم العفائف، با رویکردی فقهی و نه اجتماعی مقصود خود را مطرح کرده است. بخش



نخست مکتوب بانو شیرازی عنوان «منازعه الهی و طبیعی» را دارد و در پی آن به جواب دادن به مقاله اصفهانی اقدام کرده است. او مطالب و مدعیات شیخ محمدتقی را با عنوان «اصفهانی» آورده و پاسخ‌های خود را با عنوان: «مهجوره»، زیرا خود را «المهجورة العلویة زینب بیگم» معرفی کرده است.

هفت رساله در دفاع از حجاب اثر دیگری است که در مجموعه رسائل حجاییه آمده است. این مقالات در نشریه الاسلام به مدیریت محسن فقیه شیرازی انتشار یافت و بیشتر آنها در مقام پاسخ به مقالاتی بوده که در نشریات روشنفکری درباره حجاب چاپ شده بود. مدیر نشریه خود محسن فقیه شیرازی و از علما و وعاظ و شخصی روشنفکر بوده و حتی در مضیقه مالی از مرجع عصر مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی اجازه استفاده از وجوه بریه و شرعیه را داشته است. این نشریه از سال ۱۳۴۱ق/۲/۱۳۰۲ش آغاز به کار کرد و این مقالات در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ نوشته و نشر یافته است. عناوین این هفت مقاله بدین شرح است: ۱. دفاع از حجاب؛ ۲. نقد مقاله جبل‌المتین؛ ۳. پاسخ پرسش‌های چهارده‌گانه جبل‌المتین در مسئله زن و حجاب؛ ۴. حدود تربیت بنات؛ ۵. انتقاد از مقاله اصفهانی در موضوع حجاب؛ ۶. حجاییه دیگر در پاسخ به مقاله جبل‌المتین؛ ۷. مقاله حجاییه در نقد مقاله جبل‌المتین.

مقاله دوم و سوم به قلم محسن فقیه شیرازی - مدیر نشریه الاسلام، نوشته شده، مقاله چهارم و پنجم به قلم سیدمحمد کاظم بحرالعلوم نوشته شده است.

مکالمه خسرو و پرویز رساله‌ای است که در سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۷ش به قلم شیخ‌هادی بن محمدبن علی طارمی منجیلی نوشته شده است. این رساله به صورت گفتگو میان دو نفر به صورت فرضی تدوین شده است و نوعی دیالوگ شیخ و شاب را تداعی می‌کند و نویسنده در خلال این مباحثه و گفتگو، درباره حجاب و آزادی زن و رفت و آمد زنان در جامعه سخن به میان آورده و در بحث خود رویکرد تاریخی،

اجتماعی و فقهی داشته است و در صدر رساله مکتوب خود را چنین معرفی کرده است:

«مذاکره‌ای است راجع به مصالح عظیمه حجاب و مصوّر مفاسد پرده‌داری، سفور»، «تا جدا باشد ز هم مفهوم پستی و شرف».

رساله وسيله العفایف یا طومار عفت به قلم شیخ یوسف نجفی گیلانی در سال ۱۳۰۶-۱۳۰۷ش نوشته شده است. او که در نجف تحصیلات عالیہ داشت، پس از بازگشت به گیلان، کتاب طومار عفت را نوشت و حتی به خاطر فعالیت علیه کشف حجاب، مدتی زندانی شد. کتاب طومار عفت یا وسيله العفایف گیلانی، از آثار مفصلی است که در موضوع زن به صورت عام و مسئله حجاب به صورت خاص نوشته شده است.

این اثر به صورت تدوینی تألیفی است و بخش‌های مختلف آن از منابع مختلفی نقل مطلب کرده است؛ به همین خاطر نویسنده در معرفی کتاب خود آن را «مجموعه‌ای است فطری، طبیعی، تاریخی، زمینی، ادبی، اخلاقی، علمی و اجتماعی، عمرانی، اقتصادی، فلسفی راجع به زنان به برهان عقلی و طبیعی و نفسی به تصدیق فیلسوفان بزرگ غرب» معرفی کرده است. او می‌کوشد مطالب خود را با نوشته‌های نویسندگان مغرب زمین مستند کند، تا نشان دهد رویکرد جدیدی دارد، البته آنچه از این کتاب مفصل در مجموعه رسائل حجابیه گزینش شده مبحث مربوط به حجاب است که از ص ۹۶ تا ص ۱۶۴ کتاب است.

رساله وجوب ستر و حجاب، به قلم شیخ محمد کاظم بخل محمد سعید، در سال ۱۳۰۶ش نوشته شده، این رساله کوتاه درباره اثبات وجوب ستر و حجاب است. روی صفحه نخست این رساله می‌خوانیم:

«این رساله‌ای است در خصوص وجوب ستر و حجاب طایفه زنان به ادله اربعه ضد آن و سنت و اجماع و عقل».

رساله محاکمه در موضوع حجاب، در سال ۱۳۰۶، به قلم سید ابوالحسن طالقانی طهرانی نوشته شده است. نویسنده از شاگردان میرزای شیرازی و سید اسماعیل صدر بوده که پس از مدتی تحصیل در عتبات به طهران بازگشت. نویسنده در این رساله حکم حجاب را بدیهی دانسته، لذا انکار آن را منتهی به انکار نبوت می‌داند.

رساله ضیائیه در موضوع حجاب، در سال ۱۳۰۷، به قلم آقاموسی کاظمینی طبرسی (ضیائی) نوشته شده است. نویسنده این رساله از علمای شهر بابل (بارفروش) بوده و چون شاعر و دارای شعر بوده و در اشعار خود به «ضیائی» تخلص می‌کرده، به ضیائی نیز نامیده می‌شده است. در پایان این رساله تقریظی به قلم آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه آبادی آمده است. در این رساله افزون‌بر فلسفه حجاب، ادله حرمت نظر، آیات و روایات وجوب حجاب و نقد و بررسی دلایل قائلین به کشف حجاب آمده است.

رساله سرادق دوشیزگان و سعادت ایرانیان در وجوب حجاب و لزوم نقاب، در سال ۱۳۰۷، به قلم سید محمدعلی مبارکه‌ای نوشته شده است. نویسنده از واعظان و مؤلفان عصر خود در اصفهان بوده و کتب و رسائل زیادی نوشته است. او بحث را براساس فلسفه و برهان عقل آغاز کرده و کشف حجاب را زمینه‌ساز روابط نامشروع دانسته و در ادامه بحث حجاب در آیات قرآن پرداخته و برخی از مستندات فقهی حکم حجاب را آورده است. ایشان در هر قسمت، به جرائدی که به مسئله بی‌حجابی دامن می‌زده‌اند، سخت تاخته و آنها مورد انتقاد تند قرار داده است. کتاب دیگری که در این مجموعه قرار گرفته، ترجمه کتاب فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب است که در سال ۱۳۰۷ ش به قلم غلامحسین اصفهانی حائری تألیف شده و محمدرضا طهرانی و توقیف یزدانی به ترجمه آن به فارسی اقدام کرده است.

مؤلف در سامرا و نزد میرزا محمدتقی شیرازی تحصیل کرده و از او اجازه اجتهاد کسب کرده و سپس به بعد هند هجرت کرده و همان‌جا وفات نمود. مترجم نیز

مدتی در نجف از محضر علما کسب علم می‌کرده و سپس مقیم طهران گردیده او برخی از مباحث تخصصی کتاب را ترجمه نکرده است و یادآور شده که چون غرض استفاده عمومی بوده از ترجمه‌اش [در بحث‌های تخصصی] صرف نظر شد.

اصل کتاب یک‌صد صفحه است و نویسنده تلاش کرده تا با ارائه تحلیل‌های اجتماعی و تجارب تاریخی، دامنه بحث کشف حجاب را بهتر روشن کند. او منافاتی میان حجاب داشتن و تحصیل نمودن زنان در مدارس نمی‌بیند و آن را روشی مرسوم در بلاد هند می‌داند. بحث مفصلی هم درباره ضررهای بی‌حجابی دارد و ادله قرآنی و روایی حجاب را آورده و اتفاق مسلمین در همه نقاط برابر حجاب را دلیل دیگر حجاب دانسته است.

کتاب مدینه الاسلام روح التمدن، رساله دیگر از رسائل حجایه است که در سال ۱۳۰۷ ش به قلم شیخ احمد شاهرودی نوشته شد. مؤلف کتاب ۳۶۳ صفحه‌ای خود را چنین توصیف می‌کند: «کتابی است که در سیاست اسلامی و توافق آن با روح تمدن تألیف شده و در این کتاب با یک ادله منطقی و شواهد و براهین فلسفی که کمال موافق با روح عصر را دارد، اثبات نموده‌اند که قانونی که عائله بشر را بتواند اداره و جامعه را حفظ کند، فقط همان دین مقدس اسلام است و تنها همان دیانت است که وسطیت را از هر جهت حائز و دارا است»، البته این کتاب بخش‌های متعددی دارد که بخش نخست آن به زن و حجاب مربوط است و مؤلف در مقاله اول کتاب خود درباره «زواج و مایتعلق بها» سخن گفته و ازدواج را مبدأ و اصل برای اجتماع و تمدن می‌داند که قرآن و سنت نهایت احترام را برای آن منظور داشته‌اند. از جمله بحث‌های خاص این بخش، بحث حجاب است و از نظر نویسنده، تشریح حجاب برای جلوگیری از زنا می‌باشد و او قبول ندارد که حجاب زنان مانع از قیامت و استکمالات و تعلّمات آنان می‌شود. «تأکید حجاب نسوان به حکم آیات قرآن» رساله دیگر این مجموعه می‌باشد که به قلم میرزا محمدعلی مدرس طهرانی نوشته

شده است. زمان نگارش این رساله مشخص نیست، ولی از وضعیت کلی چاپ آن چنین برمی آید که می بایست در سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۱ ش و یا حتی اندکی پیش از آن نشر یافته باشد. نویسنده از شاگردان آخوند خراسانی بوده و در ابتدای مکتوب خود یادآور شده که در این زمان هوش و ذکاوت مردم بیشتر شده و مایل به فهمیدن اصول دین از روی دلیل و دانستن جهت و فلسفه احکام الهی هستند. او از مسئله حجاب به عنوان مسئله ای یاد کرده که باید براساس همان نگرش درباره آن سخن گفت. وی در رساله خود، حجاب را مصداق لطف الهی دانسته و عامل مهمی برای جلوگیری از فتنه و فساد و اختلال اوضاع زندگانی و قطع نسل و نظام اجتماعی می داند و آیات مربوط به حجاب در قرآن را مطرح و به شرح و تفسیر آنها پرداخته و چنین نتیجه گرفت: «پس به خوبی واضح و مبرهن شد که حجاب مطلقاً واجب و ظاهر کردن زینت و مواضع آن و صورت، حتی شنوائیدن صدای زینت هم موافق آیات قرآنی است بر زن ها حرام است».

رساله حجابیه شیخ فیاض الدین زنجانی در سال ۱۳۱۷ ش نوشته شده و نویسنده هدف از تألیف آن را چنین ذکر کرده است: «مقصود بالاصالة بیان دلالت خصوص کلام مقدس باری تعالی بر وجوب حجاب بود برای دفع هواپرستان عصر که القای شبهه بر ضعفای مسلمین و ایتام آل محمد ﷺ کرده و آنها را منحرف نموده اند به تلبیس و تدلیس، اینکه کلام الهی دال بر وجوب حجاب نیست، و اخبار هم علاوه بر اینکه مقطوع الصدور نیست، دلالت هم ندارد، تا به این وسیله به مقاصد خود نایل باشند، لهذا به این مختصر اختصار گردیده و تفصیلاً متعرض اخبار وارده در مقام نشد».

نویسنده در رساله خود قائل به لزوم ستر وجه و کفین است و معتقد است اگر آیه حجاب درست تفسیر شود، حاصل همه روایات مربوط به حجاب با آن موافق است و در حقیقت روایات حجاب شرح آیات حجاب است.

شیخ عباسعلی اسلامی رساله در اثبات وجوب حجاب را در سال ۱۳۲۴ ش نوشته و معتقد به لزوم پوشش وجه و کفین شده است.

البته دیدگاه او مورد انتقاد مخالفان قرار گرفته، از جمله شیخ محمدخلصی در کتاب حقیقت حجاب در اسلام، بدون نام بردن از وی دیدگاه او را مورد نقد جدی و شدید خود قرار داد، البته شیخ عباسعلی اسلامی در این رساله خود وعده کرده که کتاب دیگری به عنوان جلد دوم این رساله با عنوان اسلام و حجاب بنویسد که موفق بدان نشده و چنین اثری از او در دست نیست.

رساله حجاب و پرده‌داری مباحثه مکتوب ابوالفضل حاذقی و علی اصغر لاری است که در سال ۱۳۲۴ تا سال ۱۳۲۶ ش به نگارش درآمده است، این رساله در بردارنده دو اثر از دو نویسنده است. متن نگاشته شده به قلم ابوالفضل حاذقی کتابی است با عنوان زن از نظر حقوق اسلامی که در سال ۱۳۲۴ ش نشر یافته و در آن فصلی به حجاب اختصاص پیدا کرده است. نویسنده این اثر چندین دوره نماینده مردم جهرم در مجلس شورای ملی زمان خود بوده است. اثر دوم نوشته سیدعلی اصغر موسوی لاری، فرزند آیت‌الله حاج سیدعبدالحسین لاری، است که ناظر به بخش حجاب کتاب حاذقی نگاشته شده است. البته سیدعلی اصغر لاری نیز تحصیلات دینی خود را نزد اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف تکمیل کرده و پس از بازگشت متصدی امور دینی مردم منطقه خود بوده است. وی در مقدمه رساله خود نوشته: «زن از نظر حقوق اسلامی به قلم دانشمند معظم آقای حاذقی نماینده مجلس شورای ملی... نویسنده با آنکه در فضل و کمال برجسته و در نویسندگی ید طولانی داشته، مع ذلک چون تخصص فنی در فقه و اصول اسلامی، یعنی رتبه اجتهاد نداشته، در چند جا به خطا و اشتباه دچار گشته؛ و چون این موضوع محل ابتلای عامه مسلمین این دوره بود، بر خود لازم دیدم که موارد اشتباه نویسنده را تذکر دهم... عین فصل هفتم کتاب مذکور به ضمیمه تذکرات اینجانب که به طور

حاشیه بر آن نگاشته‌ام در دسترس مطالعه خوانندگان گذاشته...» او در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: «آنچه تا کنون از متن رساله و تعلیقه آن به دست آمد و به‌طور قطع معلوم شد، این بود که اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات دین اسلام است؛ و نسبت به وجه و کفین، اگرچه در عصر حاضر شهرت در میان فقها بر وجوب حجاب قرار گرفته، ولیکن از آنجا که مسئله اجماعی نیست، باز هم از موارد اختلاف شمرده می‌شود؛ اما این نکته هم ناگفته و پوشیده نماند که نزد همان فقهای که قائل به وجوب حجاب نسبت به وجه و کفین نیستند، استحباب و حُسن آن و ورود نه غیب و تشویق شارع اسلام نسبت به آن، مورد تردید نیست.»

جالب اینکه به نویسنده کتاب زن از نظر حقوق اسلامی پیشنهاد می‌کند؛ برای جبران و کفاره این گناه غیر عمدی و تندروری قلمی، یک پیشنهادی به مجلس تقدیم کنید که از زنان مسلمان نیم‌عریان رسماً و قانوناً جلوگیری شود و قدر متیقن و اتفافی علمای اسلام از حجاب حتماً رعایت گردد و در وجه و کفین که مورد اختلاف آراء علما است، زنان آزاد باشند که هرکدام به رأی و فتوای مرجع تقلید خود عمل نمایند.»

کتاب حقیقت حجاب در اسلام، اولین کتاب از مجموعه رسائل حجاییه، فراهم آمده در دو جلد کتاب به همت رسول جعفریان است که جلد دوم با آن آغاز گشته که سال ۱۳۲۷ش به قلم شیخ محمد خالصی زاده نوشته شده است او فرزند آیت‌الله محمد مهدی خالصی از فقهای ایرانی الاصل مقیم کاظمین است که با فشار انگلیس از عراق اخراج و مقیم مشهد شد؛ اما شیخ محمد خالصی زاده بیشتر به‌عنوان یک نویسنده عمومی با گرایش اصلاح‌گری و مقابله با عقاید انحرافی، اعم از عقاید بابی و شیخی از یک سو، و اوهام و خرافات دینی از سوی دیگر مطرح بوده است. اما او خود افزون‌بر اینکه در سیاست فعال بوده و بدان خاطر تبعیدهای مکرر را تحمل کرده؛ بنای آن داشته تا خود را به‌عنوان فقیهی صاحب‌نظر معرفی کند.

خالصی‌زاده در رساله حجاب در اسلام نیز از یک سو به مخالفان حجاب می‌تازد و بیش از آن به کسانی که به پوشش وجه و کفین و قدمین اعتقاد دارند، حمله علمی کرده است و این دو طیف را «طبقه مدعیان تجدد» و «طبقه مدعیان و متظاهرين به دیانت» می‌نامد و طبقه دوم را افرادی از «اهل عمام و بازاری‌ها و کسبه» می‌داند که «محکوم اوهام و خرافات، هستند که از نظر او ضررشان بر اسلام بیش از ضرر گروه نخست است. او در توصیف رفتار گروه اول می‌نویسد: «متجددین وقت خودشان را در تماشاخانه‌ها و قمارخانه‌ها و باشگاه‌های رقص و مجالس خمر با زنان اجنبی و سینماها و مجالس موسیقی و استماع انواع الحان فسق و فجور در رادیو صرف می‌کنند». گروه دوم را نیز چنین وصف می‌کند: «متدینین وقت خودشان را در مساجد مسقف خالی از نور آفتاب و هوای صاف و مجالس روضه‌خوانی که هیچ ثمره عملی ندارد، صرف می‌کنند». هدف خالصی‌زاده در کتاب خود این است که دو سویه افراط و تفریط را نشان دهد و حد وسط را مشخص سازد. خالصی‌زاده اعتراضات متظاهرين به دیانت که عدم پوشش وجه و کفین را سبب توسعه فحشا و زنا می‌دانند، نمی‌پذیرد و می‌گوید: اصولاً برای حکم به وجوب ستر وجه و کفین، دلیل شرعی وجود ندارد و حتی فتوای غالب فقها را عدم وجوب ستر وجه و کفین زن می‌داند، گرچه بعضی احتیاط را در ستر وجه و کفین می‌دانند، او می‌گوید باید حقیقت احکام اسلامی اجرا شود و لذا برای اولین بار تعبیر «حجاب اسلامی» را مطرح ساخته است. خالصی‌زاده که از عراق اخراج شده بود، در ایران و در آستانه قدرت یافتن رضاخان، یار و یاور آیت‌الله شهید مدرس بوده و آن شهید والامقام در مقام دفاع از مرحوم خالصی‌زاده از او با تعبیر مولانا الاعظم آقای خالصی‌زاده یاد کرده و افزوده «ادامه توفیق ایشان را در خدمت به عالم اسلامیت و عظمت مملکت از حضرت احدیت جلت عظمته خواهانم».



خالصی‌زاده خود در مقدمه می‌گوید: «کتابی را که می‌نویسم در اردیبهشت ۱۳۲۶ تحریر می‌شود» این در حالی بود که پیش از آن سه سال پس از بازگشت از تبعید کاشان، یعنی از سال ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۲۶، را در تهران سکونت داشت «در تمام این مدت فکر مشغول مطالعه در اوضاع این پایتخت و احوال اهالی آن و مفاسدی که در آن ایجاد شد و طریق اصلاح آن بود گاهی هم از مطالعه خارج و در جاده عمل قدم می‌زدم» وی می‌گوید: «در کتاب هدی و شفا - تفسیر سوره حجرات - خویش» مدلل نمودم که سبب بدبختی و اختلال جامعه بشری عمل نمودن به احکام اسلامی است و نجات و نظم و سعادت بشر عموماً منحصر به تطبیق و اجرای آن احکام است. واضح کردم که مدعیان اسلام خصوصاً طهرانی‌ها، اعم از متظاهرين به دیانت و غیر هم، هیچ‌یک به احکام اسلام عمل نمی‌کنند».

احسن الحکایات فی حجاب السافرات دیگر از کتاب‌هایی که در این مجموعه گرد آمده، در سال ۱۳۲۵ش به قلم میرزا ابوالفضل خراسانی نوشته شده است، نویسنده فرزند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین خراسانی امام جماعت مسجد حاج عزیزالله تهران بوده و دروس عالی فقه و اصول را در محضر حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره برده و پس از آن در مسجد حاج عزیزالله اقامه جماعت و به تبلیغ و ترویج و ارشاد مؤمنین موفق بوده است. کتاب احسن الحکایات او جزئی از اجزاء کتاب چندجلدی مؤلف با نام سفینه النجاة است. این اثر در دو مجلد و به فاصله چند ماه در سال ۱۳۲۵ش به چاپ رسید و نویسنده مطالب موردنظر خویش را در قالب داستانی طراحی کرد و حکایت سرگذشت ملاعبدالرحمن حنفی و عیالش بی‌بی عین‌الحیات با سه دختر بی‌حجاب، به نگارش در آورد. در جلد اول این اثر بیست درس ارائه شد که بخشی به جنبه‌های اجتماعی حجاب مربوط است و بخش دیگر آن به بررسی حجاب در آیات قرآن اختصاص یافته است. بحث و بررسی روایات وارده در موضوع حجاب و نیز بیان مفاسد بی‌حجابی، دیگر

بخش‌های این جلد است؛ البته مؤلف این اثر قریب شانزده سال پیش از تألیف *أحسن الحکایات*، کتاب دیگری با عنوان *حکمة النقباب و فلسفه الحجاب* نوشته بوده، ولی نام خود را در آن نیاورده بود. اما مطالب آن کتاب با تفصیل بیشتر در این اثر آمده است. مؤلف *احسن الحکایات* نسبت به تجدد و مظاهر آن، مانند مطبوعات و مدارس جدید، موضع تندی دارد و دلیل عمده مخالفت او با مدارس جدید، تلاش متصدیان آن مدارس در جهت ترویج فرهنگ و آداب و رسوم غربی بوده است، او می‌نویسد: «ما در مملکت خودمان از خود چیزی نداریم... هرچه داشتیم از دست دادیم، دیانت و غیرت و حمیت از پدرها رفته، عفت و حیا و عصمت هم از مادرها رخت بر بسته» او همین نگاه بدبینانه را درباره مشروطه نیز دارد و بر این نظر بوده که «به اسم ترقی مملکت و ایران پرستی و تمدن و تحصیل معارف و اخلاق جامعه، ساده‌لوحان را گول زده، ایران را از مستعمرات خود قرار داده‌اند». او مدارس و روزنامه‌جات را برای ترویج تجدد و پیشرفت مقاصد اروپایی در ایران مهم می‌دانست و نابود کردن سنن ملی و دینی توسط متجددین از نکات حساسی بود که مؤلف روی آن تکیه می‌کرد. این رساله مفصل‌ترین رساله این مجموعه است. «مناظره دهقان پیر و جوان دانشجو»، در سال ۱۳۲۹ش، به قلم سیدجلال کاشانی نوشته شده است. نویسنده از طرفداران جدی فدائیان اسلام و نواب صفوی است و نثر کتاب، نثری حماسی و در عین حال استدلالی است و نویسنده تلاش زیادی دارد تا جنبه‌های سیاسی-اجتماعی مسئله حجاب را در برابر آنچه که مطبوعات ضد آن می‌نوشته‌اند، تحلیل کند، او ضمن توجه به فلسفه حجاب، آیات مربوط به حجاب را در اثنای گفتگوهای دهقان پیر با جوان دانشجو، تبیین می‌کند و به تأثیرپذیری ایرانیان از اروپائیان انتقاد می‌کند و می‌گوید: «چرا آن قدر بی‌شخصیت، بی‌فکر، بی‌اراده، بی‌هدف، بی‌تصمیم» شده‌ایم که آنان را

«مالک الرقاب، فرشته آسمانی، رب النوع عقل و درستی و عدالت و واجب الاتباع بدون قید و شرط قلمداد می‌کنیم؟!».

او در بخشی از کتاب، مسئله موسیقی را به میان می‌آورد و از اظهارات دانشمندان اروپایی نقل قول‌ها و دستاوردهای علمی در بیان مضامین موسیقی را مطرح می‌کند و در ادامه به مسئله حجاب می‌پردازد و سعی در بیان برتری تعالیم اسلام بر دیگر ادیان و فرهنگ‌ها از زبان دانشمندان اروپایی دارد.

رساله حجاب در اسلام یکی از رسائل این مجموعه است که به قلم شیخ محمود حلبی در سال ۱۳۲۸ ش نوشته شده است. او تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد انجام داد و متأثر از مکتب معارفی میرزا مهدی اصفهانی بوده و کار عمده او کارهای تبلیغی در قالب منبر بوده است و به‌رغم فعال بودن در مبارزات ملی کردن صنعت نفت، پس از آن از سیاست رویگردان شد و با تشکیل مجموعه منظمی که به انجمن حجتیه شهرت یافت، مبارزه پرادمانه‌ای را بر ضد بهایی انجام داد. این رساله متن دو سخنرانی او در رادیو مشهد درباره حجاب است که در سال ۱۳۲۸ ارائه نمود و همان سخنرانی‌ها تدوین و به چاپ رسید. او در این بحث به لزوم حجاب برای زنان پرداخته و با توضیح و تبیین آیات قرآن مقصود خود را مشروحاً بیان داشته است.

آخرین کتاب از مجموعه رسائل و کتبی که در این دو جلد معرفی و گردآوری و عرضه شده، کتاب مسئله حجاب اثر متفکر و اسلام‌شناس شهید آیت‌الله مرتضی مطهری است.

استاد مطهری که از سال ۱۳۳۱ ش و پس از تکمیل تحصیلات عالی خود در حوزه علمیه قم، پس از اقامتی پانزده ساله، به تهران هجرت کرد و به تدریس و تألیف و تبلیغ معارف و حقایق اسلامی اشتغال داشت و مشخصاً از سال ۱۳۴۵ ش بیشتر درگیر مسائل و مباحث زنان شد و جدای از یادداشت‌های فراوانی که در

مسائل زنان گردآورده و در سال‌های اخیر انتشار یافته است؛ در همان دهه چهل، نخست سلسله مقالات مربوط به نظام حقوق زن در اسلام را در مقابل مقالات منتشره در مجله زن روز نوشت که در کتابی به همین نام تجمیع و منتشر شد و پس از آن کتاب مسئله حجاب را عرضه کرد. مطالب کتاب مسئله حجاب ابتدا به صورت سخنرانی‌هایی در انجمن اسلامی پزشکان بیان شد و سپس به قلم شیوای استاد به صورت کتاب عرضه شد. کتاب با نثری بسیار شیوا و استدلال‌های قوی با انسجام مباحث در سطح یک اثر علمی نوشته شد و مقبول جامعه مذهبی و فرهنگی آن سال‌ها واقع شد، البته در کنار مقبولیت و تأثیرگذاری مثبت این کتاب در جامعه، انتقادهایی نیز نسبت به آن صورت گرفت و آثاری هم به صورت انتقادی درباره آن نوشته شد. علاوه بر رساله جلیب از آقای صدیقین؛ الحجاب فی الاسلام نوشته شیخ ابوالقاسم اشتهاودی و نوشته‌ای از سید محمد ضیا آبادی؛ شیخ محمد تقی شریعتمداری از شاگردان شرح منظومه استاد نیز کتاب استاد خود را مورد نقد قرار داد که استاد شهید بدان‌ها پاسخ داد که با نام «پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب» به چاپ رسید.

استاد شهید در کتاب به تاریخچه حجاب و علت پیدا شدن آن، فلسفه پوشش در اسلام و ایرادها و اشکال‌ها به مسئله حجاب پرداخته و در بخش پنجم کتاب خود از آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام پوشش اسلامی بانوان را استنباط و بیان نمود و با برگزیدن و برجسته کردن «پوشش بانوان» به جای «حجاب زنان» تفاوت نگاه خود را نشان داد؛ چنان‌که با اظهار جواز پوشیده نبودن چهره و دو دست (وجه و کفین) و نشان دادن راه میانه «نه حبس و نه اختلاط» از کتمان حکم‌الله اجتناب کرد و با بیان مستدل حکم شرعی پوشش بانوان به جواز حضور سالم زنان در عرصه‌های مختلف جامعه نظر داد و مخالفت خود را با حبس زن و نیز اختلاط مفسده‌آمیز نیز بیان نمود و صریحاً با مصلحت‌اندیشی منجر به کتمان حقایق مخالفت نموده و گفته: «من

مصلحت را در گفتن حقیقت می دانم». و می گوید: «عقیده بعضی از کارشناسان اجتماعی این است که علت این افراط و بی بندوباری توهم های غلطی است که اجتماع درباره حجاب داشته است. علت این بوده که حقایق گفته نشده است. اگر همان طور که اسلام خود گفته است، گفته می شد کار به اینجا کشیده نمی شد. اینجا از آنجاهاست که باید گفت (از پاپ کاتولیک تر نباید بود (کاسه داغ تر از آش صحیح نیست). ایشان در همین رابطه به حدیث نبوی: «إِنَّ اللَّهَ بِحَسَبِ أَنْ يَأْخُذَ بِرِخْصَةٍ كَمَا يَحِبُّ أَنْ يَأْخُذَ بِعِزَائِمِهِ؛ خداوند دوست دارد هر چیزی را که مباح قرار داده و رخصت فرموده مردم آن را مباح شمارند، همچنان که دوست دارد هر چه را نهی کرده است، ناروا به شمار آورند» تمسک کرده است.

قابل توجه اینکه این دیدگاه مستدل و معتدل آیت الله مطهری تفاوتی آشکار با دیدگاهی دارد که در عموم رسائل حجابیه این مجموعه گرد آمده است. در آن رسائل و کتاب ها، مقصود از حجاب، یعنی چادر و نقاب و پوشاندن تمامی اندام زن از نامحرم و نیز عدم جواز حضور اجتماعی زنان، در حالی که در دیدگاه استاد مطهری نه پوشش زنان مسلمان به معنای لزوم چادر و نقاب است و نه پوشش داشتن زنان مسلمان به معنای محدودیت و محرومیت آنان از عرصه های اجتماعی و حضور سازنده آنها در صحنه های علمی، اجتماعی و سیاسی است. در نگاه مستوریت و محرومیت زن به نام حجاب وقتی پرسیده می شد: «حجاب یعنی چه؟» پاسخ داده می شد: «حجابی که امروزه موضوع بحث جمعی از متجددین واقع شده، عبارت است از اینکه زن رخساره از نامحرم بپوشاند و روی زیبای خود را از بیگانگان مستور دارد... جمیع بدن را از فرق تا قدم بدون استثنای جزئی بپوشاند و آن نسبت به نامحرم مان است» (رسائل حجابیه، ج ۱، ص ۲۸۱).

استاد مطهری در پاسخ خود به نقدهای شاگرد خود می گوید: «آنچه در فصل های آخر کتاب گفته شده و همواره مورد تأیید است، حریم است نه پرده نشینی.

رسول اکرم اجازه شرکت در مساجد و احیاناً در تشییع جنازه و بالاتر حضور در میدان جنگ را می‌داد و در عین حال مانع اختلاط بود» (مجموعه آثار استاد، ج ۱۹، ص ۵۸۲). و با صراحت گفته «کار اجتماعی با بودن حریم هیچ مانعی ندارد» (همان، ص ۸۶) *رَحْمَهَا لِلَّهِ* ایشان در اظهاری شگفت‌انگیز به شاگرد منتقد خود می‌گوید: «من خودم قبل از نشر این کتاب با برخی مراجع صحبت کردم و دیدم باطناً همه موافق‌اند، ولی از امثال شما بیم دارند. فایده امثال این کتاب این است که امثال من چوب امثال شما را می‌خورند، اما بعد راه برای فقها باز می‌شود و آزادانه فتوای خود را ذکر می‌کنند» (همان، ص ۵۹۸).

و نیز می‌گوید: «ما ضرورتی نمی‌بینیم که در مورد عدم الفتواها سکوت کنیم» (همان، ص ۶۰) و به منتقد نظرات و برداشت‌های خود می‌گوید: «چنین روایت ضعیف‌السند مضطرب‌المتن را نتوان مبنای استنباط حکم فقهی قرار داد.» (همان، ص ۶۰۶) از این تعبیر استاد چنین برداشت می‌شود که مستند نگاه سخت‌گیرانه نسبت به حجاب زنان و حضور سالم اجتماعی آنان، فاقد شرایط سندی و دلالتی است و اگر تکیه‌گاه اظهارات و فتاوا و نظر است، ادله معتبر از نظر سنت و متن باشد، همان نگاه معتدل و مقبول حاصل می‌شود.

آیت‌الله مطهری که براساس ادله معتبر به چنان دیدگاه و نظراتی رسیده بود، خود را و نظرات خود را مطلق و مصون از اشتباه نمی‌داند و می‌گوید: «من هرگز خود را فوق اشتباه تصور نمی‌کنم... ولی هرگز حاضر نیستم که به بهانه جایزالخطا بودن مرتکب اشتباه بزرگ تر، بلکه گناه عظیم بشوم. اگر هم اشتباه کنم از این نوع نخواهد بود که باورهای آباء و اجدادی را تحقیق نکرده، با حقیقت اسلام یکی بدانم. اگر هم اشتباه کنم اشتباه نمی‌کنم که همیشه نباید انتظار داشته باشم که با گفتن حقیقت دستم را بیوسند و وجوهات بیشتری بدهند. معیار تصحیح اشتباهاتم متون اصلی کتاب و سنت و حکم روشن عقل است نه پسند عوام‌الناس» (همان، ص ۶۲۳).

بخش پایانی جلد دوم رسائل حجابیه، عنوان «پیوست‌ها» را دارد که تدوین‌کننده محترم مطالبی را ذیل این عناوین آورده است؛ رساله مدینه، پوشیدن روی یا نپوشیدن روی، مقاله علی دشتی درباره ۱۷ دی، حجاب و ضد حجاب در شعر فارسی معاصر، فهرست آثار مربوط به حجاب، تصویر صفحاتی از رسائل حجابیه.

### تکمله، کشف حجاب رضاخانی

پدیده بی‌حجابی و برهنگی پس از آشنایی و ارتباطات ایرانیان با کشورهای و فرهنگ اروپاییان مطرح شد و پیش از حکومت کودتایی رضاخان مورد بحث و گفتگو و کشمکش اجتماعی-فرهنگی واقع شده بود؛ اما در حکومت رضاشاه به‌عنوان قانون کشف حجاب شهرت یافت و حوادث تلخ و خونین به دنبال داشت. در اینکه آیا حکومت پهلوی حکم به برهنگی بانوان داد و یا چادر را منع کرده بود، به‌رغم اشتهاش، با نوعی ابهام مواجه است.

گفته می‌شود، «وقتی رضاخان دستور کشف حجاب داد، می‌خواست زن‌ها چادر نپوشند، لذا اگر زنی چادر نداشت، ولی غیر از وجه و کفین‌اش مستور بود، رضا خان منع نمی‌کرد و لازم نبود حتماً روسری نداشته باشند و موباز باشند» (جرعه‌ای از دریا، ج ۳، ص ۶۶۳).

البته قانونی با عنوان کشف حجاب به معنای برهنه نمودن بیش از وجه و کفین مصوب و مکتوب نشد، ولی رفتار عملی و علنی همسر و دختران رضاشاه در افتتاح دانشسرای مقدماتی تهران، به صورت نیمه‌برهنه و دستور به همه بانوان وزرا و رجال مبنی بر شرکت بدون حجاب در آن جشن، کشف حجاب رضاخانی را فراتر از منع پوشش چادر می‌کند و عملاً سر و پا برهنه شدن زنان در انظار عمومی بوده است (ر.ک: علما و رژیم رضاشاه، حمید بصیرت‌منش، ص ۱۹۴، ۱۹۵، به نقل از مجله روشنفکری، ۱۴ دی ماه ۱۳۴۰).

گرچه در این بین، منهای نیت و هدف و رفتار رضاشاه و حکومت او، اگر دو گروه معتدل و میانه‌رو در ارکان حکومت و در میان علما و متدینان چاره‌جویی می‌کردند، شاید به راه‌حل مشروع و مرضی‌الطرفین می‌رسیدند. روایت فرزند زعیم دینی عصر، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ از رفتار و دیدگاه پدرش همسو و مؤید این حدس است. آقای سیدمصطفی محقق داماد-نوه آیت‌الله حائری می‌گوید:

«قضیه‌ای را بدون واسطه از حاج‌آقامهدی حائری-فرزند حاج شیخ، نقل می‌کنم ایشان می‌گفت: من نوجوانی بودم، بین اندرونی و بیرونی منزل داشتم بازی می‌کردم. همین که پدرم از اندرونی آمد بیرون و خواست برود داخل اتاقی در بیرونی منزل، یک خانمی که مدتی آنجا ایستاده بود، یک مرتبه دوید جلو و گفت: آقا من مقلد شما هستم، مقداری املاک و اموال دارم، ناگزیر باید به ادارات و برای رفع مشکلات مراجعه کنم، حجاب من این است، این حجاب را برای خودم درست کرده‌ام؛ من نگاه کردم دیدم یک پالتوی بلندی، مثل مانتو، به تن دارد، هیچ جای بدنش پیدا نیست، به سرش کلاهی گذاشته که همه موهای سرش را پوشیده و گردنش با یک دستمالی بسته و دستکش هم به دست دارد. رو کرد به آقا و گفت: نگاه کنید، حجاب من این است آیا از نظر شرعی درست است؟ پدرم گفت: بله. تا این را گفت حاج میرزا مهدی بروجردی رئیس دفتر ایشان که روبه‌روی آقا در آن سمت ایستاده بود، ناراحت شد و بنا کرد ریش خود را کندن که آقا این چه حرفی است که زدید؟! الان این حرف این طرف و آن طرف در تهران پخش می‌شود که آقا با بی‌حجابی موافق است! حاج شیخ با عصبانیت گفت: مگر من بیشتر از حکم خدا می‌توانم بگویم؟! حکم خدا این است، من حکم خدا را می‌گویم» (مجله حوزه، شماره ۱۲۵، ص ۸۱ و ۸۲، آذر و دی (۱۳۸۳)).

غرض اینکه اگر اقدامات عملی دین‌ستیزانه حکومت رضاخان و رفتار غیرشرعی همسر و دختران او که حتی خیلی پیشتر از سال ۱۳۱۴ش در عید نوروز سال ۱۳۰۶ش بدون پوشش سر در حرم حضرت معصومه عَلَيْهَا السَّلَام حضور یافتند که



اعتراض مرحوم شیخ محمدتقی بافقی و رفتار ظالمانه و غضب‌آلود رضاخان و تبعیدشان را در پی داشت؛ نبود و در اندیشه و عمل علما و متدینان حجاب مساوی با پوشش خاص چادر چاقچور و نقاب بر چهره داشتن و نیز محرومیت از حضور اجتماعی نبود؛ می‌شد راه میانه و پوشش شرعی مقبولی را شاهد بود، یعنی همان نگاه و نظری که اسلام‌شناس بزرگ استاد مطهری از ادله شرعی استنباط نمود.